خبر

حامد علیزاده برای اربعین خواند

حامد علیزاده خواننده جوان موسیقی کشورمان، تازه‌ترین اثرش را با عنوان «کوی دوست» و به مناسبت اربعین حسینی(ع) منتشر کرد.

این اثر جدید حامد علیزاده براساس دو بیت از سروده‌های سعدی شکل گرفته است. این دو بیت از یکی از غزل‌های مشهور سعدی انتخاب شده‌اند. بیت اول در حقیقت بیان کننده و روایتگرِ حالِ کسانی است که سعادتِ حضور در راه‌پیماییِ اربعین حسینی(ع) نصیب‌شان شده است:

به پای خویشتن آیند عاشقان به کمندت / که هر که را تو بگیری ز خویشتن برهانی

بیت دوم اما روایتگرِ حال کسانی است که به هر دلیلی موفق به حضور در اربعین امسال نشده‌اند. پس خواننده با حسرت می‌گوید:

من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندانم / تو می‌روی به سلامت سلام من برسانی

موسیقیِ کوی دوست را پیام سوری ساخته است. نوازندگی نی را مرتضی صنایعی برعهده داشته و مهیار شادُروان هم مشاور هنری آن بوده است.

نماهنگ «کوی دوست» به همت احمد احمدی صدر در سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران تولید شده است.

برای تماشای این نماهنگ کیوآرکد را اسکن کنید

یادداشت

استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی راهپیمایی اربعین

حجت‌الاسلام غلامرضا اباذری
رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عراق

در ارتباط با بحث اربعین دو کمیته فرهنگی سال‌هاست که در حال فعالیت هستند. کمیته‌ای فرهنگی در ایران داریم که تحت نظر ستاد مرکزی اربعین و وزارت کشور است. مسئولیت کمیته فرهنگی نیز به عهده بعثه مقام معظم رهبری است. در طول سال این کمیته برنامه‌های بسیار زیادی را جهت اجرا در عراق و برای زائران ایرانی درنظر می‌گیرند. در عراق نیز یک کمیته فرهنگی زیر نظر ستاد اربعین عراق داریم و مسئولیت آن به‌عهده سفیر است. مسئولیت کمیته فرهنگی نیز رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عراق است. ما از تلفیق و تجمیع این دو کمیته در ایران و عراق؛ یک ستاد فرهنگی به نام ستاد فرهنگی اربعین تشکیل دادیم. در ستاد فرهنگی اربعین نیز ما کمیته قرآن و نماز، محصولات فرهنگی، موکب‌ها، فضای مجازی، تولیدات محتوایی، برگزاری مراسم و رویدادهای هنری داریم. هریک از کمیته‌ها در ایام اربعین حدود ۸۰ برنامه در عراق اجرا می‌کنند. یکی از برنامه‌هایی که اجرا می‌شود برنامه قرائت قرآن است. حدود ۵۰ قاری قرآن از قاریان بین‌المللی و شاخص کشورمان در ایام اربعین در موکب‌ها و امکان مختلف عراق برنامه‌های قرآنی اجرا و خیمه و موکب‌های قرآنی را برپا می‌کنند. همچنین «کمیته مراسمات» مسئول اجرای مراسم دینی، سخنرانی‌ها و جلسات خطابه هستند که حدود ۴۰ تا ۴۵ روحانی و خطیب هرساله برای این مراسم به عراق اعزام می‌شوند. این مراسم و منبرها به‌دلیل این‌که به زبان فارسی است در موکب‌هایی که ایرانی‌ها اسکان بیشتری دارند برگزار می‌شوند. همچنین کمیته‌ای برای تکریم موکب‌های عراقی تشکیل دادیم و از ۱۷۰۰ موکب عراقی برای خدمت به زائران ایرانی، قدردانی کردیم. هرچند محبت عراقی‌ها به زائران در ایام اربعین قابل جبران نیست اما تعداد زیادی از خیرین هدایایی را در اختیار کمیته تکریم موکب‌های عراقی قرار دادند تا ما از سمت ملت و دولت ایران به موکب‌داران عراقی هدیه کنیم. چرا که بار اصلی پذیرایی و استقبال از زائران ایرانی بر دوش موکب‌های عراقی است. بنابراین زبان ما در ایام اربعین زبان تشکر از میزبانی عراقی‌هاست. کمیته دیگری به نام فضاسازی‌های محیطی داریم که فضای محیطی پیاده‌روی زائران را تحت پوشش فضای مذهبی، اربعینی و آیینی قرار دهند. همچنین ما اصرار داریم تمام موکب‌های مسیر چه موکب‌های ایرانی و چه موکب‌های عراقی، اهتمام به نماز داشته باشند و نماز اول وقت را برپا کنند تا دشمنان تشیع نگویند ما زیارت امام حسین(ع) را مقدم بر نماز کردیم. وضعیت اقدامات فرهنگی کشورمان به طور کلی در ایام اربعین و حتی دیگر روزهای سال، روزبه‌روز درحال بهبود است. در ارتباط با بحث کتاب و دیگر اقدامات فرهنگی با کشور عراق تا به امروز صدها کار انجام شده است. کتاب‌های افکارسنجی مقام معظم رهبری و امام خمینی، یک دسته کتاب‌های مرتبط با خاطرات اسرای ایرانی به دست بعثی‌ها مانند کتاب «پایی که جا ماند» و دیگر عنوانینی از این دست به زبان عربی ترجمه و در اختیار مخاطبان و خوانندگان عراقی گذاشته شده است. در نمایشگاه‌های کتاب نجف، بغداد، بصره، اربیل و سلمانیه؛ ناشران ایرانی در بعضی از این نمایشگاه‌ها و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی به‌طور ثابت حضور داشته و غرفه به‌پا کرده است. در بحث موسیقی نیز اجرای مشترک سمفونیک ایران و عراق را داریم. از گروه سمفونیک عراقی در تهران برای حضور در جشنواره موسیقی فجر دعوت به عمل آمد و همچنین کار تولید مشترک عاشورایی داشتیم. در بحث سینما نیز هفته سینمایی ایران و عراق را چند ماه گذشته پشت سر گذاشتیم و آثار سینمایی ایرانی در مسرح وطنی بغداد اکران شد.

نگاهی به بزرگداشت حماسه کربلا در دور از ذهن‌ترین نقاط جهان

عاشورا در جزایر کارائیب!

رضا حسینی
نویسنده و منتقد

از قرن چهارم هجری به بعد برگزاری مراسم بزرگداشت واقعه عاشورا در بین شیعیان باب شد و سنت‌های ویژه ایام محرم به‌تدریج در بسیاری از مناطق مرکزی و غربی آسیا از جمله ایران رواج یافت. پس از روی کار آمدن صفویان و تبدیل مذهب شیعه به مذهب رسمی کشور، برگزاری مراسم عاشورا رونق بیشتری در ایران گرفت و همزمان بدعت‌هایی نیز در برگزاری این مراسم پدید آمد. برپایی مراسم عزاداری ایام محرم در دوران قاجار نیز به شکل گسترده ادامه یافت و در عین‌حال شاخ و برگ‌های دیگری به آن اضافه شد که در مواردی ریشه در سلایق و علاقه حکمرانان زمانه داشت و گاهی با اصل واقعه کاملا بی‌ارتباط بود. در متن پیش‌رو به شرح برگزاری مراسم عزاداری ایام محرم در برخی نقاط غیرمشهور جهان خواهیم پرداخت؛ سرزمین‌هایی که شاید کمتر کسی تصور کند حتی نام عاشورا به گوش مردم آنجا خورده باشد. روایتی که می‌تواند سوژه فیلم‌های مستند جذاب و فیلم‌های سینمایی تماشایی شود.

زنگبار افسانه‌ای

با ورود اسلام به سرزمین‌های جدید تعدادی از مسلمانان نیز راهی این سرزمین‌ها شدند که بخشی از آنها شیعیان بودند. این موضوع سبب شد برگزاری مراسم عاشورا در بعضی از این سرزمین‌ها رواج یابد. یکی از مناطق شرقی آفریقا که هر سال شاهد برگزاری مراسم عزاداری ایام محرم است، زنگبار نام دارد. این منطقه که از تعدادی جزیره تشکیل شده در روزگار گذشته به‌شکل مستقل اداره می‌شد اما امروز منطقه‌ای نیمه خودمختار در کشور تانزانیاست. شیعیان زنگبار علاوه بر برگزاری سالانه مراسم عاشورا به شکل منظم در اربعین هر سال نیز به عزاداری می‌پردازند. قدمت این مراسم در زنگبار به قرن‌ها قبل برمی‌گردد.

بوروندی همسایه

در بوروندی که همسایه غربی تانزانیا به شمار می‌رود، برگزاری مراسم عاشورا قدمت بسیار کمتری دارد و آغاز آن به حدود یک قرن قبل باز می‌گردد. در جنگ جهانی اول انگلستان حدود ۴۰۰ هزار سرباز هندی در اختیار داشت که برخی از آنها مسلمان بودند. یکی از جبهه‌های نبرد مناطق شرقی آفریقا بود که در آن سربازان ارتش انگلستان با آلمانی‌ها درگیر شدند. تعدادی از سربازان مذکور پس از پایان جنگ در آفریقا ماندگار شدند و به مناطقی نظیر بوروندی رفتند. البته مسلمانان بوروندی در حال حاضر تنها حدود ۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که بخش اندکی از آنان شیعیان هستند. با این‌حال به موجب حضور همین تعداد اندک از شیعیان در این منطقه، مراسم عاشورا اکنون حدود ۱۰۰ سال است که به طور منظم در بوروندی برگزار می‌شود.

لبنانی الاصل‌های سنگال

یکی دیگر از کشورهای آفریقایی که مردم آن هر سال شاهد برگزاری مراسم عاشورا هستند، سنگال است. با این‌که تقریبا ۹۲ درصد مردم سنگال مسلمان هستند اما تعداد شیعیان این کشور از حدود ۳۰۰ هزار نفر فراتر نمی‌رود. این افراد بازماندگان کسانی‌اند که در دوره‌های تاریخی مختلف از آسیا به آفریقا مهاجرت کرده‌اند و بخشی از آنها را لبنانی‌ها تشکیل می‌دهند. وجود این تعداد شیعه موجب رواج مراسم عاشورا در برخی از نقاط سنگال شده است. شیعیان این کشور به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که از میان آنها می‌توان دو گروه تیجانیه و قادریه را نام برد. هرکدام از این گروه‌ها مراسم خاص خود را برای گرامیداشت ایام محرم دارند که در مواردی با مراسم مرسومی که در ایران برگزار می‌شود، متفاوت است. به عنوان مثال در سنگال مراسم سینه‌زنی برگزار نمی‌شود و عزاداران به شنیدن مرثیه و سخنرانی‌های مرتبط با وقایع عاشورا بسنده می‌کنند. با این‌حال مراسم اطعام عزاداران و صرف غذا به‌خصوص شام تا حدی با موارد مشابه در ایران همسان است.

البته در برخی مناطق سنگال رسم‌هایی وجود دارد که شاید برای سایر شیعیان جهان اندکی عجیب جلوه کند. به عنوان نمونه، برخی از شیعیان این کشور اعتقاد دارند پس از صرف شام در ایام محرم باید ظرف خالی غذا را روی سر نهاد. در مجموع برخی از آداب عاشورا در سنگال با باورها و رسوم بومی مردم این کشور عجین شده و مراسم سنتی متفاوتی را به‌وجود آورده است که شاید در نظر سایر شیعیان نامرسوم جلوه کند.

عاشورا در جزایر کارائیب

برای تجربه کردن نمونه‌ای کاملا متفاوت از مراسم گرامیداشت ایام محرم باید به آن سوی کره خاکی سفر کرد و سری به سواحل و جزایر کارائیب زد. جزایری که در متون تاریخ اسلامی به‌عنوان غرائب ذکر شده است. یکی از متفاوت‌ترین و حتی شاید بتوان گفت عجیب‌ترین مراسم گرامیداشت عاشورا در ترینیداد و توباگو برگزار می‌شود. ترینیداد و توباگو نام دو جزیره جداگانه است که کشوری کوچک در آمریکای مرکزی در جنوب دریای کارائیب را تشکیل می‌دهند. سابقه ورود اسلام به این کشور به نیمه دوم قرن ۱۲ قمری (۱۸ میلادی) می‌رسد اما مهم‌ترین گروه مسلمان در اواسط قرن ۱۳ قمری (۱۹ میلادی) (بعد از ۱۲۵۴ق/۱۸۳۸م) به این کشور وارد شد. در میان این مهاجران مسلمان، شیعیانی وجود داشته‌اند که در اوایل نیمه دوم قرن ۱۸ زمینه عزاداری امام حسین(ع) را در این کشور فراهم کرده‌اند. جزیره ترینیداد مساحت بزرگ‌تری دارد و جمعیت بیشتری را در دل خود جای داده است. بخش اعظم شیعیان این کشور نیز در همین جزیره سکونت دارند و در نقاط مختلف آن نظیر سنت جیمز، تونا پونا، سدروس، سن فرناندو و کوا پراکنده شده‌اند. حدود ۵ درصد مردم ترینیداد و توباگو را مسلمانان تشکیل داده‌اند که عده قابل توجهی از آنان شیعیان هستند. مراسم ویژه گرامیداشت ایام محرم در ترینیداد با این‌که ریشه در باورهای شیعه دارد اما مراسمی فرای مذهب با ریشه‌های هندی و آفریقایی است. از سال‌های دور (و حتی همین امروز) مسیحیان و هندوها نیز در آن شرکت داشته و دارند.

کشتار توسط انگلیسی‌ها

قدمت این مراسم به اواسط قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد. یعنی زمانی که انگلستان گروهی از کارگران قراردادی را از هند به ترینیداد آورد. به دلیل این‌که در آن زمان برده‌داری لغو شده بود، انگلستان این افراد را برای کار در زمین‌های کشاورزی تحت قراردادهایی با مدت معلوم به ترینیداد منتقل می‌کرد. با این حال شرایط زندگی آنها تفاوت چندانی با زمان برده‌داری نداشت و دستمزد اندکی برای کار خود دریافت می‌کردند. امری که گاهی اعتراض‌های گسترده‌ای را در پی داشت. در میان هندیانی که در سال ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۷ توسط انگلیسی‌ها به ترینیداد آورده شدند، شماری از مسلمان شیعه حضور داشته‌اند، زیرا ۹ سال بعد سه خانواده شیعه تصمیم به برگزاری مراسم عاشورا گرفتند و این زمینه برپایی مراسم هوزیه یا هوسای یا حسی در این کشور شده است. شیعیان این کشور در مراسم هوسای متأثر از برخی مراسم‌های آفریقایی‌اند، برگزاری مراسم هوسه در شهر سن جیمز در شمال و منطقه سدروس در جنوب غربی جزیره ترینیداد، نشانگر حضور شیعیان در این مناطق است. بیشتر مسلمانان این کشور مذهب حنفی دارند، همچنان که گفته شد شیعیان هندی پس از حضور در ترینیداد برای گرامیداشت ایام محرم مراسم سنتی خود را که چیزی شبیه تعزیه و نمایش بود، برگزار کردند. مراسم «حسی» مخفف نام امام حسین (ع) است و خیلی زود مورد توجه هندوها و مسیحیان (بومیان ترینیداد) قرار گرفت و پس از مدتی براساس روح جاری در واقعه کربلا یعنی آزادگی و ظلم ستیزی به نوعی مراسم اعتراضی تبدیل شد که سیاست‌های انگلستان در قبال کارگران مهاجر را مورد انتقاد قرار می‌داد. به این ترتیب بخشی از فرهنگ و آداب و رسوم هندوها نیز با مراسم حسی ترکیب شد. در محرم سال ۱۸۸۴ میلادی اعتراض کارگران مهاجر در مراسم سنتی حسی به قدری بالا گرفت که با واکنش شدید انگلیسی‌ها مواجه شد و تعداد زیادی از کارگران در منطقه سن فرناندو کشته شدند. در سال ۱۹۱۷ روند انتقال کارگران از هند به ترینیداد پس از نزدیک به هفت دهه متوقف شد و در سال ۱۹۶۲ با ترک خاک ترینیداد و توباگو از سوی انگلستان، این کشور استقلال خود را اعلام کرد.

تعزیه در ترینیداد

مراسم حسی از آن زمان تاکنون همچنان در ترینیداد برگزار می‌شود. در این مراسم ماکت بزرگی از جنس چوب، پارچه و مقوا که روی چرخ قرار دارد توسط مردم در خیابان‌ها به حرکت درمی‌آید که شباهت فراوانی به گلدسته و گنبد مساجد و بناهای تاریخی هند نظیر تاج محل دارد. این ماکت که نماد مقبره امام حسین(ع) است و با نام تعزیه یا تجه شناخته می‌شود توسط دو نماد دیگر عَلَم مانند به نام ماه همراهی می‌شود. ماه سرخ‌رنگ نماد امام حسین(ع) و ماه سبزرنگ نماد امام حسن(ع) است. عده قابل توجهی از همراهی‌کنندگان مراسم حسی با طبل و دمام دسته را همراهی می‌کنند و معمولا تماشاچیان زیادی گرد آنها جمع می‌شوند. بخش اصلی این مراسم در روز تاسوعا و عاشورا اجرا می‌شود. با این تفاوت که مراسم مذکور برخلاف اکثر مراسم مرسوم محرم در دیگر نقاط جهان به جای طول روز از نیمه‌شب آغاز شده و تا سپیده‌دم ادامه می‌یابد. در پایان مراسم نیز دسته به سمت ساحل حرکت می‌کند و تعزیه یا تجه یا همان نماد یاد شده توسط مردم به آب سپرده می‌شود. در سال‌های اخیر برگزاری مراسم حسی دشوار شده است. یکی از دلایل این امر لزوم ساخته شدن تعزیه یا مقبره مینیاتوری جدید در هر سال است. با این حال در طول زمان و در گذر نسل‌ها سازندگان تعزیه یا نمادهای چوبی یاد شده رفته رفته کاهش یافته است و نسل جوان تمایلی به انجام این کار از خود نشان نمی‌دهد. در مجموع شکل ظاهری برگزاری مراسم حسی با مراسم عزاداری محرم در بسیاری از نقاط جهان متفاوت است و بیش از تمام آنها یک کارناوال خیابانی را تداعی می‌کند اما شاید بتوان گفت روح این مراسم کم و بیش همسان با دیگر مراسم مشابه شیعیان در نقاط مختلف جهان است.

این ماکت عظیم که نشانه‌ای از معماری اسلامی است هرسال در انتهای مراسم به آب سپرده می‌شود

قاب

نقاشی که همدم شاعران بود

فارس

امروز هفدهمین سالروز درگذشت استاد جعفر پتگر نقاش برجسته معاصر است. او نقش مهمی در حرکت رو به جلوی نقاشی ایران داشت و نخستین آموزشگاه خصوصی نقاشی در ایران را خیابان نادری تهران تأسیس کرد. محلی که به دلیل نزدیکی به کافه نادری از پاتوق‌های هنرمندان محل رفت و آمد بسیاری از مشاهیر هنری و ادبی زمانه بود، البته ارتباط او با استاد شهریار از جنس دیگری بود. در این عکس یکی از مشهورترین تابلوهای پتگر را در نمایشگاهش که در سال ۹۲ برگزار شد، می‌بینید.

نشست

فردوسی زبان را مطیع خود کرد

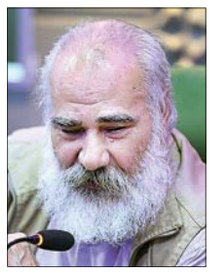

یوسفعلی میرشکاک، شاعر و پژوهشگر ادبی معتقد است، فردوسی، زبان را وادار به اطاعت از خود می‌کند و این هنر نویسنده و شاعر است که زبان را در اختیار خود می‌گیرد و به جای تن دادن به روال معمول آن، آفرینشی غیرمعمول و زیبا می‌کند.

وی در دوازدهمین نشست «درس‌گفتارهای شاهنامه» که هر هفته سه‌شنبه‌ها به همت دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزهٔ هنری برگزار می‌شود، با خواندن و بررسی اشعار داستان فریدون از شاهنامه فردوسی گفت: سوگواری‌های به تصویر کشیده شده در شاهنامه همچنان در برخی اقوام ایرانی مانند بختیاری رواج دارد. ایرانیان از گذشته‌های دور هنگام عزاداری با تمام وجود مویه و زاری می‌کردند و زخم و صدمه بر سر و صورت می‌زدند. نمونه این گونه عزاداری تمام و کمال را در سوگواره‌های حسینی شاهد هستیم. وی افزود: از آنجا که فردوسی تصمیم دارد بر پهلوانی‌های رستم تمرکز بیشتری کند از ادامه پرداخت به ویژگی‌های پهلوانی فریدون و ایرج و مابقی آنها در این بخش از شاهنامه صرف‌نظر می‌کند. فردوسی به نوعی با این کار دست به خودسانسوری می‌زند و یکی از نمونه‌های خودسانسوری موفق در ادبیات است. / ایبنا

ادبیات

قاچ زین را بچسبید!

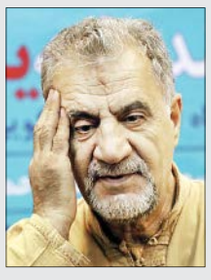

مصطفی رحماندوست با اشاره به مباحث اخیر درباره کانون پرورش، گفت: به نظرم وزارت ارشاد، قاچ زین خود را محکم بچسبد، سوارکاری طلبش؛ ببیند برای سینما چه کرده، برای تئاتر چه کرده و برای موسیقی کرده است. همه از نفس افتاده‌اند. الان کدام هنرمند برجسته‌ای است که می‌تواند با درآمد فرهنگی و هنری، زندگی‌اش را بچرخاند؟ ارشاد به جای این‌که دنبال سامان دادن به کانون باشد، موقعیت‌هایی را که در سفره‌اش چیده‌اند سامان دهد نه این‌که کمبود دیگری را به کمبودهای خود اضافه کند و از پسش هم برنیاید. او افزود: فکر می‌کنم باید کانون به اساسنامه اولیه خود باز گردد. در آغاز انقلاب یک هیات مدیره هفت‌نفره برای کانون در نظر گرفته بودند. من هم افتخار داشتم در کنار بزرگان بودم. اساسنامه‌ای تصویب شد و در آن اساس‌نامه که به تصویب مجلس آن زمان هم رسید، مقرر شد کانون پرورش فکری جای مستقلی باشد. البته امور تربیتی کانون هم مطرح بود. چرا امروز وزارت ارشاد سراغ امور تربیتی نرفته است؟ / ایسنا